

سلسله پژوهش‌های تفسیر تطبیقی (کتاب سوم)

**بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت  
و شخصیت‌شناسی امام مهدی (عج)  
در دیدگاه فریقین**

حجت‌الاسلام دکتر فتح‌الله نجارزادگان  
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران - پردیس قم

نजारزادگان، فتح‌الله، ۱۳۳۷ -

بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت‌شناسی امام مهدی (ع) در دیدگاه فریقین / فتح‌الله نजारزادگان . - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۹.

هشت، ۳۰۲ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۷۶: علوم قرآنی؛ ۱۶) (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ ۱۳۷۹: علوم قرآنی و حدیث؛ ۳۳).

ISBN: 978-600-5486-49-0

بها: ۳۷۰۰۰ ریال.

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

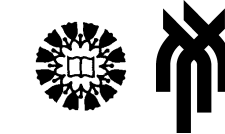
کتابنامه: ص. [۲۶۹] - ۲۸۱؛ همچنین به صورت زیرنویس نمایه.

۱. محم‌دین حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - جنبه‌های قرآنی. ۲. تفاسیر - مطالعات تطبیقی. ۳. مهدویت - جنبه‌های قرآنی. ۴. مهدویت - مطالعات تطبیقی. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی. ج. عنوان.

۲۹۷ / ۱۵۹

BP ۱۰۴ / م ۸۶ / ۳ ۱۳۸۹

۲۱۳۲۰۵۲



بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت‌شناسی امام مهدی (عج) در دیدگاه فریقین

مؤلف: حجت‌الاسلام دکتر فتح‌الله نजारزادگان

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۱۷۶، علوم قرآنی: ۱۶)

ناشر همکار: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، شماره انتشار: ۱۳۷۹، الهیات (علوم قرآنی و حدیث: ۳۳)

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ دوم: بهار ۱۳۹۰

تعداد: ۴۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۳۷۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۱۲۱۱۱۱ (انتشارات ۲۱۱۱۳۰۰)، نمابر: ۲۸۰۳۰۹۰

تهران: خیابان انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی آسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن ۶۶۴۰۲۶۰۰ و ۶۶۹۷۸۹۲۰

تهران: بزرگراه جلال آل‌احمد، تقاطع پل یادگار امام، روبه‌روی پمپ‌گاز، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،

تلفن: ۴۴۲۳۴۸۴۲-۳، نمابر: ۴۴۲۴۸۷۷۷ □ تهران: خ انقلاب، خ ایوریجان، ش ۱۰۷ و ۱۰۹ - تلفن: ۶۶۴۰۸۱۲۰، نمابر: ۶۶۴۰۵۶۷۸



خدای تبارک و تعالی ایشان [مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)] را ذخیره کرده است که همان معنایی [اجرا و گسترش عدالت واقعی در تمام مراتب انسانیت و در تمام دنیا] که همه انبیا آرزو داشتند لکن موانع، اسباب این شد که نتوانستند اجرا بکنند، و همه اولیا آرزو داشتند و موفق نشدند که اجرا بکنند، به دست این بزرگوار اجرا بشود.

## پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند، امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقا کیفی و کمی منابع درسی از دوباره کاری جلوگیری به عمل آید. به همین منظور، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، سی و چهارمین کار مشترک خود را با انتشار کتاب بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت‌شناسی امام مهدی (عج) در دیدگاه فریقین به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند.

کتاب حاضر به عنوان منبع کمک‌درسی برای درس‌های «تفسیر تطبیقی آیات اعتقادی» و «معارف نظری قرآن» تدوین شده است و برای دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث، طلاب علوم دینی و همه محققان مباحث مهدویت قابل استفاده است. امید است سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

## بسم الله الرحمن الرحيم

علوم انسانی در حکم مجموعه قواعد تنظیم حیات انسان در بخش نرم‌افزاری فرهنگ و تمدن بشری، علوم و معارفی است که به صورت روش مند از رفتارها، باورها، نگرش‌ها، احساسات و همه پدیده‌های انسانی معنادار بحث می‌کند و از مصادیق یقینی آن فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی، مدیریت و حقوق است.

تحول در حوزه‌های علمی، به‌ویژه در علوم انسانی از فرازهای مورد تأکید حضرت امام خمینی(ره) و مطالبات جدی رهبر معظم انقلاب(مدظله) به‌ویژه در سال‌های اخیر است. اهمیت این تحول، ریشه‌س در مطالعات علوم انسانی و نیازهای مترتب بر آن، به‌ویژه رشد و توسعه شتابان دانش و فرهنگ در عرصه جهانی دارد؛ زیرا در آن، از یک سو انسان، به عنوان اشرف مخلوقات و از دیگر سو روابط او با دیگران در عرصه بشری مطرح است و از این جهت این علوم بر علوم دیگر تقدم دارد. به‌واقع، رسالت مهم و اساسی این علم، ساختن انسان، پرورش شخصیت و توجه به شأن وجودی او و در یک نگاه، رساندن او به سرمنزل مقصود و هدایت به سوی مرتبه انسان کامل است. ایران اسلامی از بنیان‌های تمدنی غنی و توانمندی‌های فراوانی در درون و برون محیط‌های دانشگاهی و حوزه‌های علمیه برخوردار است و از این جهت، بستری مهیا برای ورود به عرصه‌های علمی و تولید دانش بومی در حوزه‌های علوم انسانی فراهم است. به‌پشتوانه چنین میراث گران‌قدری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) با حمایت معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که رسالت و تکلیف اصلی آن تلاش برای تعمیق و گسترش علوم، معارف و ارزش‌های انسانی اسلامی و تطبیق هرچه بیشتر رشته‌ها و درس‌های دانشگاهی با نیازهای جامعه و کاربردی کردن آنها و تحول در ارتقای علوم انسانی با تقویت جایگاه و منزلت این علم است، زمینه‌های چاپ این اثر را فراهم آورده است. از استادان، فرهیختگان و صاحب‌نظران ارجمند می‌خواهیم تا با همکاری و راهنمایی‌های ارزشمند خود این معاونت را در جهت نقد کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری فرمایند.

معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

## فهرست مطالب

مقدمه	۱
<b>فصل اول: کلیات</b>	۵
گفتار اول: درنگی در نظریه «منجی موعود» در ادیان و ملل	۵
منجی موعود در ادیان	۶
منجی موعود در مذاهب اسلامی	۱۳
ارزیابی نظریه منجی موعود با معیار قرآن	۱۶
گفتار دوم: سیری کوتاه در پیشینه پژوهش	۱۹
منابع حدیثی	۲۰
منابع تفسیری	۲۷
منابع کلامی	۳۰
گفتار سوم: طبقه‌بندی آیات درباره مهدویت و تنقیح موضوع	۳۳
ابعاد شناخت امام مهدی <small>عج</small> در آیات	۳۳
نظریه مهدویت در سطح ظواهر و بطون آیات	۳۵
نتیجه	۴۱
<b>فصل دوم: بررسی تطبیقی تفسیر آیات اظهار دین</b>	۴۳
درآمد	۴۳
واژگان	۴۴
گفتار اول: بررسی دیدگاه شیعه	۴۶
قول اول: سیطره دین حق در عصر رسالت و امتداد آن	۴۶
قول دوم: انحصار سیطره دین حق به عصر ظهور	۵۰
بررسی روایات شیعی	۵۲
گفتار دوم: بررسی دیدگاه اهل سنت	۵۶
قول اول: اجمال در تبیین سیطره دین حق	۵۷

۵۸	قول دوم: سیطرهٔ دین حق در عصر رسالت و امتداد آن
۶۱	قول سوم: انحصار سیطرهٔ دین حق به عصر ظهور
۶۲	بررسی روایات اهل سنت
۶۵	گفتار سوم: بررسی و ارزیابی دیدگاه‌های فریقین
۶۶	تأمل در مفاد آیات اظهار دین
۷۲	ارزیابی دیدگاه اول: اظهار به معنای اطلاع
۷۶	ارزیابی دیدگاه دوم: اظهار به معنای سیطره
۸۱	نتیجه
۸۳	<b>فصل سوم: بررسی تطبیقی تفسیر آیهٔ وعد</b>
۸۳	درآمد
۸۴	واژگان
۹۱	گفتار اول: بررسی دیدگاه شیعه
۹۱	قول اول: انحصار تحقق وعده به عصر ظهور
۹۹	قول دوم: تحقق وعده با مصادیق متعدد
۱۰۲	گفتار دوم: بررسی دیدگاه اهل سنت
۱۰۲	تبیین مفاد آیه
۱۱۰	تطبیق مفاد آیه بر خلفا
۱۱۳	تطبیق مفاد آیه به عصر ظهور
۱۱۶	گفتار سوم: بررسی و ارزیابی دیدگاه‌های فریقین
۱۱۷	بررسی نظریهٔ انحصار تحقق وعده به عصر ظهور
۱۱۷	الف) درک ویژگی‌های قوم موعود
۱۲۱	ب) اطلاق تعابیر در آیه
۱۲۲	ج) تأمل در مفاد احادیث فریقین
۱۳۶	مناقشه‌ها در نظریه انحصار و نقد آنها
۱۴۰	بررسی نظریهٔ تطبیق مفاد آیه به عصر خلفا
۱۴۶	نتیجه
۱۴۹	<b>فصل چهارم: تبیین دین حق و ویژگی‌های عصر سیطرهٔ دین</b>
۱۴۹	گفتار اول: تبیین دین حق در پرتو آیهٔ اکمال
۱۵۱	بررسی دیدگاه شیعه
۱۵۷	بررسی دیدگاه‌های اهل سنت
۱۶۰	ارزیابی و نقد دیدگاه‌های اهل سنت
۱۶۳	بررسی مناقشه‌های اهل سنت بر دیدگاه شیعه

۱۶۶	گفتار دوم: نزول حضرت عیسیٰ <small>علیه السلام</small> در عصر سیطرهٔ دین
۱۷۲	گفتار سوم: ویژگی‌های عصر سیطرهٔ دین حق
۱۷۲	عدالت‌گستری
۱۷۹	امنیت فراگیر
۱۸۲	شکوفایی خردها
۱۸۳	پالایش رذایل و رشد فضایل
۱۹۲	نتیجه
۱۹۵	<b>فصل پنجم: شخصیت‌شناسی امام مهدی <small>علیه السلام</small></b>
۱۹۵	گفتار اول: امام مهدی <small>علیه السلام</small> از اهل بیت و عترت رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۹۵	درآمد
۱۹۷	ادلهٔ اثبات امام مهدی از اهل بیت
۲۰۲	اصطلاح‌شناسی اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۲۰۹	ضرورت شناخت اهل بیت <small>علیهم السلام</small> و امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۱۲	گفتار دوم: پیوند ویژه امام مهدی <small>علیه السلام</small> با قرآن و آثار آن
۲۱۲	ادلهٔ پیوند ویژه امام مهدی <small>علیه السلام</small> با قرآن
۲۱۳	یک: ادلهٔ قرآنی
۲۱۸	دو: ادلهٔ روایی
۲۲۳	آثار پیوند ویژه امام مهدی <small>علیه السلام</small> با قرآن کریم
۲۲۹	گفتار سوم: تبیین امامت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۳۴	رتبهٔ امامت در دیدگاه شیعه
۲۴۹	رتبهٔ امامت در دیدگاه اهل سنت
۲۵۳	ارزیابی دیدگاه اهل تسنن
۲۵۹	گفتار چهارم: امام مهدی <small>علیه السلام</small> احیاگر دین حق
۲۵۹	درآمد
۲۶۲	جایگاه نهضت امام مهدی <small>علیه السلام</small> در نظام دین حق
۲۶۴	پیوند احیاگری دین با مقام عصمت
۲۶۶	نتیجه
۲۶۹	<b>منابع و مأخذ</b>
۲۸۳	<b>نمایه آیات</b>
۲۹۱	<b>نمایه روایات</b>
۲۹۵	<b>نمایه اعلام</b>



## مقدمه

**اصطلاح‌شناسی تفسیر تطبیقی:** در دیباچه کتاب اول که به «بررسی تطبیقی مبانی تفسیر فریقین» اختصاص داشت، بیان شد که تفسیر قرآن به دو نوع کلی تفسیر ترتیبی و موضوعی تقسیم می‌شود و آنچه تاکنون مورد اهتمام مفسران فریقین بوده، همین دو نوع تفسیر است که هر کدام نیز تقسیم‌بندی‌های خاص خود را دارند.

نوع دیگر از تفسیر که تاکنون در حوزه تفسیر قرآن (به صورت مستقل) به دست فراموشی سپرده شده، تفسیر تطبیقی است. این نوع تفسیر به بررسی مقایسه‌ای دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت درباره تفسیر قرآن می‌پردازد.

هر چند در تفاسیر اجتهادی هر دو فریق (در برابر تفاسیر روایی یا بالمأثور) کم و بیش به بررسی و نقد دیدگاه‌های یکدیگر اشاره شده است (مانند تفسیر المیزان، نوشته علامه طباطبایی از تفاسیر شیعی و تفسیر روح المعانی نوشته آلوسی و المنار تألیف محمد رشید رضا، هر دو از تفاسیر اهل سنت)، ولی بررسی مستقل و همه‌جانبه با تنظیم منطقی مباحث، پیشینه‌ای در بین فریقین ندارد.<sup>۱</sup> ضرورت این نوع تفسیر در درک و ارزیابی درست از مبانی و مفاهیم آیات از دیدگاه‌های فریقین نهفته است که آثاری درخشان در پی خواهد داشت از جمله:

- الف) کشف قوت‌ها و ضعف‌های فریقین در مبانی تفسیر و دیدگاه‌های تفسیری،
- ب) شناخت اشتراک‌ها و افتراق‌های فریقین در مبانی تفسیر و مفاهیم تفسیری،

---

۱. در این باره تنها می‌توان به کتاب بین الشيعة والسنة دراسة مقارنة في التفسير و اصول نوشته علی احمد السالوس اشاره کرد که مشحون از داوری‌های یک‌سویه و گزارش‌های سلفی اوست.

ج) مرزبندی دقیق از اختلاف‌های مبانی با تفاوت‌های بنایی و بررسی و نقد هر کدام در جای خود،  
د) کشف اختلاف‌های لفظی فریقین (که حجم زیادی از اختلاف‌ها را به خود اختصاص داده) و اخراج آنها از دایره بحث،  
ه) محک زدن موارد افتراق بر اساس مدارک و اصول پذیرفته شده نزد هر یک از دو فریق،

و) برملا ساختن بسیاری از داوری‌های ناآگاهانه و یا اتهام‌های متعصبانه،  
ز) ارائه راهکارها برای برون‌رفت از اختلاف‌ها و اتهام‌ها.

تفسیر تطبیقی در دو حوزه «مبانی» تفسیر و «مفاهیم» آیات قرآن از دیدگاه فریقین خواهد بود. در (کتاب اول) حوزه مبانی تفسیر، اصول و پیش‌فرض‌های فریقین درباره تفسیر قرآن در دو بخش مبانی مشترک و مبانی مختص مورد بررسی قرار گرفتند. در حوزه مفاهیم تفسیری، موضوعاتی از قرآن‌گزینش شده‌اند، این‌گزینش بر اساس اولویت‌ها و نیازهاست که بخشی از آنها در تفاوت دیدگاه‌های تفسیری شیعه و اهل سنت و بخشی در تفاوت دیدگاه‌های شیعه با وهابیان است. روند کار در این حوزه بدین شکل است:

یک: درآمد مشتمل بر چکیده و پیش‌آگاهی‌های لازم در بررسی آیات مورد نظر،  
دو: ارائه دیدگاه‌های تفسیری فریقین از مصادر و منابع معتبر آنان،  
سه: کشف موارد مشترک فریقین درباره تفسیر آیات یاد شده،  
چهار: بیان دلایل و شواهد و قراین هر کدام از دو فریق بر اساس منابع تفسیری و...،  
پنج: بررسی و نقد دلایل و گزینش دیدگاه درست،  
شش: نتیجه،  
هفت: پژوهش.

این کتاب سومین کتاب از این مجموعه است که به «بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت» اختصاص یافته است.<sup>۱</sup>

۱. نگارنده با اذعان به حجم گسترده و دشواری این کار و اعتراف به بضاعت ناچیز خود، در نظر دارد با لطف

**بیان مسئله:** قرآن پژوهان فریقین در تفسیر آیات مهدویت چه گفته‌اند و تا چه اندازه دیدگاه‌های آنان به‌ویژه در موارد مشترک به صواب نزدیک است؟ آیا از موارد مشترک تفسیری آنان می‌توان - تا حدودی - به درک واقع‌بینانه از شخصیت امام مهدی علیه السلام و ویژگی‌های عصر ظهور پی برد؟

**هدف:** هدف ما درک دیدگاه‌های فریقین - به‌ویژه موارد اشتراک آنان - از تفسیر آیات مهدویت و ارزیابی آنها بر اساس دلایل و شواهد برای گزینش دیدگاه درست است، این فرآیند موجب می‌شود آموزه مهدویت شفاف‌تر و ابعاد آن نمایان‌تر شود و مسلمانان و مؤمنان در این باور راسخ‌تر گردند؛ چون مسلمانان بر اساس تعالیم قرآن و سنت به نوعی در اصل اعتقاد به مهدویت و ظهور منجی اتفاق نظر دارند.

**فرضیه:** مسلمانان در تفسیر آیات مهدویت بر موارد مشترک اساسی، اتفاق نظر دارند که این موارد تا حدود بسیاری قابل دفاع است و زیرساختی قابل اعتماد برای شخصیت‌شناسی امام مهدی علیه السلام و درک ویژگی‌های عصر ظهور خواهد بود.

---

خداوند، در حوزه مفاهیم، تمام موضوعات قرآنی را که در تفاسیر فریقین نقاط اشتراک فراوان و یا اختلاف نظر جدی دارند، به همین شکل مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

در اینجا لازم است این نکته را (که در مقدمه کتاب اول و دوم نیز عنوان کرده‌ام) اشاره کنم، کتابی که با نام تفسیر تطبیقی در سال ۱۳۸۳ به قلم نگارنده به چاپ رسیده بر اساس سرفصل کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن «جامعه المصطفی العالمیه» است. تنها کمتر از ۲٪ مباحث آن کتاب که حدود ده صفحه است به موضوع این کتاب اختصاص دارد. این ده صفحه تحت عنوان «راهنمای تفسیر تطبیقی از آیات مهدویت» طرحی فشرده را برای پژوهش در این زمینه ارائه می‌دهد.

در ضمن بخشی از این کتاب دست‌آورد طرح پژوهشی «بررسی تطبیقی آیات ۳۲-۳۳ سوره توبه و آیه ۵۵ سوره نور» است که در پردیس قم - دانشگاه تهران در بهار ۱۳۸۸ به انجام رسید.



## فصل اول

### کلیات

#### گفتار اول: درنگی در نظریه «منجی موعود» در ادیان و ملل

بنا به گفته محققان، «منجی موعود» در معنای عامش، از ویژگی‌های اندیشه بشری است. تا آنجا که می‌نگریم تقریباً هیچ قوم و مردمی را نمی‌یابیم که به نوعی سر این سودا را نداشته باشند. اما نگاه مردمان به افق تاریخ از یکدیگر متفاوت است و به تبع آن، موعودشان گونه‌گون. بنابراین، اعتقاد به ظهور منجی موعود، اختصاص به ادیان الهی ندارد، بلکه کسانی که از کتاب آسمانی بی‌بهره‌اند و یا کتاب خود را آسمانی می‌پندارند نیز در انتظار مصلح و منجی به سر می‌برند.

قصد ما در این بحث گزارش تفصیلی یا حتی اجمالی از این نظریه‌های موعودگرایی در افق فکری انسان‌ها نیست، بلکه تنها سیری کوتاه در این باره برای فراهم آوردن بن‌مایه‌ای است تا اندکی آفاق بحث روشن شده، امکان عرضه آنها را بر قرآن کریم و سنت قطعی به عنوان معیار شناخت حق از باطل فراهم آید.

برای رسیدن به آموزه منجی موعود در ادیان از دو مقاله عالمانه محقق ارجمند، آقای دکتر موحدیان عطار، که به گونه‌شناسی اندیشه موعود در ادیان و اسلام<sup>۱</sup> نامبردار است،

---

۱. این دو مقاله در مجله هفت آسمان، ش ۱۲، زمستان ۸۰؛ ش ۲۱، بهار ۸۳ به چاپ رسیده است. دکتر موحدیان با همت جمعی از موعودپژوهان کتاب گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان را پدید آورده که در نوع خود، کتابی بی‌نظیر است. این کتاب توسط انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسیده است.

بهره گرفته‌ایم. این دو مقاله که عین آنها در اینجا تلخیص و گزارش می‌شوند، چون ضمن ارائه دیدگاه‌ها به بررسی تطبیقی اندیشه منجی موعود در ادیان و ملل گوناگون پرداخته، امکان ارزیابی آنها را با معیار قرآن و سنت آسان‌تر ساخته است.

### منجی موعود در ادیان

**یهودیت:** در عهد قدیم (یا به تعبیر خود یهودیان، کتاب مقدس عبرانی) عنوان «مسیح» به معنای مسح شده خداوند، تداعی گر رهاکننده‌ای رسالت‌مدار است.

بنا بر باور یهود، آنگاه که مسیح بیاید، «پادشاهی خدا» بر زمین مستقر می‌شود و همه ملت‌ها به اورشلیم باز خواهند گشت. بدین‌سان یهودیت انتظاری قدیمی و تأثیرگذار را تجربه می‌کند. تأثیر این انتظار، هم در دین‌ورزی فردی، و هم در بُعد اجتماعی آشکار است.

در این اواخر، جریانات پیشرو یهودی، بر اندیشه مسیح شخصی کمتر‌گردن می‌نهند، و بیشتر بر آرمان ظهور عصر طلایی در آینده تأکید می‌ورزند.

شاید در رده‌بندی موعودباوری یهود، بایسته باشد که آن را از گونه اندیشه موعود نجات‌بخش جمعی قوم‌مدار و رو به آینده‌ای بینگاریم که بیشتر دغدغه بازگردانی سروری و رونق دنیای مردمانش را دارد و کمتر به نجات و رستگاری معنوی، به‌ویژه از سنخ عرفانی‌اش می‌اندیشد.

**مسیحیت:** اندیشه موعود در مسیحیت به سه‌گونه نمودار گشته است: در یک پرده، همان اندیشه موعود یهودی است که در آن عیسای ناصری نقش مسیح نجات‌بخش را ایفا می‌کند که انتظار دیرپای یهود را به سر می‌آورد. و در پرده دیگر، با نوید رجعت عیسی به مثابه «داور جهان» در آخرالزمان، نمایشگر سنخ دیگری از اندیشه موعود است. و در پرده سوم، سخن از شخص دیگری است که خود عیسی مسیح وعده آمدنش را می‌دهد، کسی که چونان «تسلی‌دهنده» و «روح راستین» می‌آید و عیسی مسیح را جلالت می‌بخشد و بر او شهادت می‌دهد. هر چند مسیحیان - به اشتباه - این را همان روح القدس می‌دانند که معتقدند که اندک زمانی پس از مسیح ظهور کرد و

همو همواره بر کلیسا حکم رانده است. بر این پایه، مسیحیت به سه سنخ اندیشه موعود و سه گونه منجی باوری پایبند است. بنابراین، مفهوم «پسر انسان» و مفهوم «تسلی دهنده» در کتاب مقدس مسیحی، دو مفهوم یکسره متفاوتی هستند که یکی بر خود مسیح و دیگری بر کسی که او بشارت آمدنش را می دهد، منطبق است.

بدین سان، موعود آخرالزمان مسیحی از دسته اندیشه های موعود «صرفاً اجتماعی» و حتی موعود نجات بخش «معنوی - اجتماعی» به کنار می رود و در زمره موعودهای «صرفاً معنوی» جای می گیرد. اندیشه موعود رهاننده در مسیحیت هر چند با پایان جهان و واپسین داوری پیوند می یابد، اما «هزاره گرا»<sup>۱</sup> نیز هست. هنوز هم بسیاری از مسیحیان آمدن مسیح را در رأس هزاره ها انتظار می کشند و برای آن تدارک می بینند. موعود مسیحی، یک موعود «شخصی»،<sup>۲</sup> اما دارای «جنبه الوهی» است. قضاوت در این باره که نجات بخشی مسیح، «فردی» یا «جمعی» است، قدری دقت و تأمل می طلبد. در پرده اول اندیشه موعود در مسیحیت، عیسای ناصری بیشتر در هیئت نجات بخشی «فردی» چهره می نماید.

اما چهره دوم از موعود باوری مسیحی، که رجعت مسیح به عنوان «داور جهان» و «پسر انسان» را نوید می دهد، تناسب بیشتری با نجات بخشی «جمعی» دارد.

موعود مسیحی را نمی توان موعودی «قوم مدار» شمرد. کارکرد او آشکارا «جهان شمول» و فراگیر می نماید. به لحاظ آرمان نیز، هموارتر آن است که وی را در زمره موعودهای «رو به آینده» انگاشت. و سرانجام اینکه، به نظر نمی آید در سنت مسیحی، شواهدی آشکار بر «کارکرد کیهانی» موعود رهاننده بتوان یافت. آنچه مسیح به عنوان پسر انسان و داور جهان انجام می دهد بیشتر دربرگیرنده حیات معنوی بنی آدم است. آیین هندو: اندیشه موعود در آیین هندو با شخصیت کُلکی،<sup>۳</sup> یا کُلکین<sup>۴</sup> شکل می گیرد، وی در پایان دوران سیاهی، که بنا به باور هندوان، ما اکنون در آن به سر

1. millenarian

2. personal

3. Kalki

4. Kalkin

می‌بریم، دهمین و آخرین تنزل (اوتاره) ویشنو،<sup>۱</sup> که کُلکی یا کُلکین نام دارد، سوار بر اسبی سفید و با شمشیری آخته و شهاب‌گون، ظهور می‌کند تا شرارت و ظلم را از ریشه برکند و عدالت و فضیلت را برقرار سازد. اسب سفید نماد قدرت و فراگیری است (قدرت اسب و فراگیری رنگ سفید، که همه رنگ‌ها را در خود دارد). آن موعود، یمه<sup>۲</sup> یا مرگ را در هم می‌شکند و تار و مار می‌سازد و بر همه قوای مخالف پیروز می‌گردد. کُلکی جنبه «الوهیت» نیز دارد؛ او مردی الوهی و به نوعی متحد با مقام بی‌انتهای خداست.<sup>۳</sup>

موعود هندو، موعودی «شخصی» و دارای «جنبه الوهی» است. وی به لحاظ کارکرد، به «نجات جمع» می‌اندیشد و رسالتی «معنوی - اجتماعی» بر عهده دارد. به لحاظ آرمان می‌توان اندیشه موعود هندویی را از آن جهت که می‌خواهد جهان را به روزگار پربهجت و بهشتی عصر زرین بازگرداند «رو به گذشته» خواند. تنزل (اوتاره) دهم ویشنو، آخرین مرحله از مراحل یک چرخه جهانی محسوب می‌شود و بدین‌سان در خط سیری دایره‌وار نقش می‌آفریند. از همین‌روست که باید آن را دارای «کارکرد کیهانی» سترگی دانست.<sup>۴</sup>

آیین بودا: اندیشه منجی موعود در آیین بودا با مفهوم مَیْتریه<sup>۵</sup> تبیین می‌گردد. مَیْتریه واژه‌ای سنسکریت و به معنای «مهربان» است. در الهیات بودایی او را بودای پنجم، و آخرین بودا از بودایان زمینی می‌دانند، که هنوز نیامده است، اما خواهد آمد تا همگان را نجات دهد. او را در نمادنگاری بودایی به هیبت مردی در وضعیت نشسته آماده برخاستن نمایش می‌دهند تا نمادی باشد از آمادگی وی برای قیام! از دو سنت یا مذهب اصلی بودایی، سنت مهاییانه بیشتر به شخصیت و

1. Vishnu

2. Yama

3. Kalki in: *The Rider Encyclopedia of Eastern Pilosophy and Religion*, Rider Books, also published by Shambhale.

۴. ر.ک: هامش ولفگانگ شومان، آیین بودا، ص ۱۲۱.

5. Maitreya



کارکرد میتریه پرداخته است. هر چند در آموزه‌های فرقه تیره‌واده (هینه‌پانه) نیز حضور دارد.<sup>۱</sup>

منجی موعود بودایی، نجات‌بخشی «فردی» است. او موعودی شخصی و دارای ویژگی‌های «بشری-الوهی» است. شاید بتوان رسالت او را «جهان‌شمول» دانست، زیرا شاهدهی بر عنایت ویژه او به قوم و ملت خاصی نمی‌بینیم. نگاه بوداییان به موعود «رو به آینده» است، اما بازآفرینی و رواج آموزه‌های گذشته را نیز از نظر دور نمی‌دارد.

آیین زرتشت و زرتشتی‌گری:<sup>۲</sup> در این آیین، موضوع موعود رهاننده با مفهوم سوشینت<sup>۳</sup> گره خورده است. سوشینت از ریشه «سو»<sup>۴</sup> به معنای «سودرساننده» است. این مفهوم، فی‌الجمله، اشاره به کسانی است که به نوبت در رأس هر هزاره از واپسین سه هزاره روزگار می‌آیند تا پلیدی را ریشه کن و جهان را نو کنند. مهم‌ترین ایشان آخرینشان است. اما این آموزه پیچیدگی‌هایی نیز دارد. که باید آن را از رهگذر مطالعه در سیر تحول و تکامل اندیشه سوشینت، وارسیم.

اندیشه منجی موعود در دین زرتشتی از رسته «موعود نجات‌بخش جمعی» است، زیرا از قیام علیه بدی، دروغ و کژئی سخن می‌راند و آینده‌ای را نوید می‌دهد که تمام مردمان یکجا به رهایی و آسایش می‌رسند، نه چونان موعود بودایی مهیانه‌ای که بیشتر به نجات هر فرد و رساندن او به مقام بودایی، در هر عصر و در پایان، نظر دارد.

در جمله موعودهای نجات‌بخش جمعی، موعود زرتشتی را نمی‌توان رهایش‌گری «صرفاً اجتماعی» شمرد؛ زیرا فارغ‌دل از معنویت مردم نیز نیست، اما معنویت بیشتری اخلاقی، که آن را نیز در سمت و سوی آسایش و امنیت اجتماعی می‌خواهد.

1. Maitreya in: *The Rider Encyclopedia of Eastern Pilosophy and Religion*.

۲. آوردن عنوان «زرتشتی‌گری» در کنار «آیین زرتشت» به این سبب بوده است که، در مطالعات جدید درباره دین زرتشتی، به‌درستی بر این نظریه تأکید دارند که باید میان آنچه منسوب به شخص آشوزرتشت است با آنچه در تطورات و تحولات بعدی آیین شکل گرفته تمایز نهاد.

۳. Saoahiant؛ در فرهنگ زرتشتی و دیگر منابع، تلفظ‌ها و فارسی‌نوشت‌های گوناگونی برای این واژه وجود دارد.

در نگاهی دیگر، اندیشه موعود زرتشتی، همانند موعود اسلامی، هندویی، بودایی و مسیحی، اندیشه‌ای «جهان‌شمول» است نه «قوم‌مدار»؛ زیرا در متون ایشان مانند این گفته کم نیست که: «همه مردم گیتی، هم‌نشن (هم‌منش)، هم‌گوشن (هم‌گوش)، و هم‌کنش (هم‌کنش) شوند».<sup>۱</sup>

شاید بتوان گفت، اندیشه موعود رهاننده در آیین زرتشتی «رو به گذشته» دارد، و یکسره به زنده کردن گذشته‌ای پرنور و سُورور می‌اندیشد، یعنی نخستین سه هزاره اول تاریخ، که در آن اورمزد سلطنت می‌کرد بی‌آنکه اهرمن در حکم او خللی آورد.<sup>۲</sup>

موعود زرتشتی را موعودی کاملاً «شخصی» می‌یابیم که چونان مسیح نزد مسیحیان، و میتریه نزد بوداییان مه‌ایانه‌ای، از الوهیت بهره‌مند نیست، بلکه صرفاً بشری اسطوره‌ای از پشت زرتشت است که نطفه‌اش معجزاً سا پس از گذشت سه هزار سال در رحم مادری باکره جای می‌گیرد تا به دنیا آید، بجنگد و پیروز شود.

**آیین کنفوسیوس:** کنفوسیوس شعار بازگشت به عصر فرزانه شاهان<sup>۳</sup> باستان را سرلوحه اندیشه‌های اصلاحی خویش قرار داده بود. برقراری حکومتی همچون حکومت پادشاهان باستان و نظامی بر پایه قانون و حکمت، آرمان اصلی وی بود. کنفوسیوس به چیزی که آن را «هماهنگی بزرگ» (دا دُنْگ)<sup>۴</sup> می‌خواند، فکر می‌کرد. گویا بر این باور بود که زمانی چنین یگانگی و هماهنگی‌ای میان آسمان و زمین و همه چیزها تحقق داشته است و می‌توان باز هم چشم به راهش بود و برای تحقق دوباره‌اش کوشید.

اما آیا کنفوسیوس وعده آمدن چنین دوران فرهمندی را نیز داده، یا صرفاً سر سودایش را داشته است؟

---

۱. از جاماسب‌نامه، از متون دینی زرتشتی‌گری؛ به نقل از: کتاب سوشینت یا سیر اندیشه ایرانیان درباره موعود آخرالزمان، ص ۱۷۰.  
۲. بنگرید به: دوشن گیمن، دین ایران باستان، ص ۳۸۲.  
۳. شنگ وانگ، یا فرزانه شاهان، بنا بر سنت چینی، پنج تن بودند که در عصر باستان بر چین حکومت داشتند. بنا بر این باور، ایشان فرزاندگی درون و شهریاری برون را با هم گرد آورده بودند (جوجای و وینبرگ جای، تاریخ فلسفه چین، ص ۹).

اگر پاسخ به سؤال از وجود اندیشه موعود رهاننده در آیین کنفوسیوس، منفی باشد، اما موضوع منجی باوری مردم چین، و از جمله هواداران نگرش کنفوسیوسی، منتفی نیست.

آیین دائو: در بستر فرهنگی و دینی مردمان چین، آیین دائو در کنار آیین کنفوسیوس و دیگر مکاتب فکری نقش آفریده است. اگر آیین کنفوسیوس عهده دار تبیین فلسفه سیاسی و اخلاق اجتماعی چینیان باشد، آیین دائو بیانگر جهان بینی عرفانی آن مردم است. در آیین دائو، رگه های روشن تری از منجی باوری و انتظار موعود را می توان برشناخت.

بر پایه متن *Shang-Ching Hou-Sheng Tao Chün Ligh-Chi*، (زندگی قدیس آخرالزمان و پروردگار طریقت)، نوشته شانگ چینگ، «قدیس آخرالزمان» مصداق روشنی از نوید آمدن شخصی کمال یافته و کمال بخش است که کمال معنوی و تعالی سیاسی و اجتماعی را با هم فراگرد می آورد.

شاهد دیگر بر موعود باوری عمیق پیروان آیین دائو، ظهور و بروز جریان پیامبران دروغین و مدعیان نجات گری در تاریخ تحولات آن آیین است. الیاده در *دائرة المعارف دین*، از متنی نام می برد که به ماجرای این مدعیان پرداخته است. اینها همه حکایت از جدی بودن اندیشه منجی باور چینیان است.<sup>۱</sup>

ژاپن نیز، مانند چین، فرهنگ و دیانتی چندگانه دارد. در ژاپن دین شینتو و آیین بودا در هم آمیخته و درون مایه آرمانها، بیمها و امیدهای آن ملت را ساخته اند. ظهور مذاهب منجی باور از درون سنت های دینی عامه در آن سرزمین چیز غریبی نیست.

یونان باستان: در فرهنگ و اندیشه یونان باستان نیز سخن از صلح و آرامش در پس جنگها و نوید حکومت جهانی مردی بوده است که خواهد آمد تا بر همه بشریت فرمان براند. در سالهای ۱۶۸-۱۶۵ پیش از میلاد پیشگویان پیامبر سان یونانی<sup>۲</sup> از «شاهزاده ای مقدس» سخن می گوید که بر همه جهان تا ابد حکم خواهد راند. و در

1. Lao-Chüing-in-Sung Chieh-Ching in: *The Encyclopedia of Religion*, v.14.

2. the greek sibylline oracles

جای دیگر، پادشاهی را نوید می‌دهد که در مشرق قیام می‌کند و صلح را برای همه بشریت به ارمغان می‌آورد.<sup>۱</sup>

در این تصویر، منجی آینده بشریت صاحب رسالتی «اجتماعی»، «فراگیر» احتمالاً «رو به آینده»، و نیز دارای ویژگی‌های «شخصی»، و برخوردار از قداستی معنوی است. اما اینکه آیا «کارکردی کیهانی» هم دارد و با «پایان عالم» نیز پیوند می‌خورد یا نه، معلوم نیست.

ادیان سرخ‌پوستی: شاید به سبب آشنایی نسبتاً کوتاه مدت جهان با دنیای سرخ‌پوستان است که آنچه از اندیشه این مردم در باب آینده بشر و انتظارشان می‌دانیم از برخی داده‌های ناچیز درباره همین چند قرن اخیر تجاوز نمی‌کند.

در ادبیات اخیر سرخ‌پوستی به چهره موعودوار با نام اینکاری<sup>۲</sup> برمی‌خوریم. او را به مثابه «پسر خورشید» و «زنی وحشی» اسطوره‌پردازی و نمادگری می‌کنند. اما او یک خدای سرخ‌پوستی نیست، بلکه خاطره‌ای کمرنگ از پادشاهی باستانی است که پس از سالیان دراز انتظار، زنده می‌شود تا حقوق از دست رفته سرخ‌پوستان را بازپس گیرد.<sup>۳</sup> موعود منتظر سرخ‌پوستان در این چند قرن اخیر، بیشتر به «نجات‌بخش جمعی» و «صرفاً اجتماعی» می‌ماند که به بازخواست حق مردمش می‌اندیشد، از این‌رو می‌توان او را «قوم‌مدار» انگاشت. آرمان او احیای پادشاهی ای باستانی و نظامی در گذشته است، که بر پایه نظام اینکار استوار بوده و بدین سان در زمره موعودهای «رو به گذشته باستان‌گرا» جای می‌گیرد. موعودهای سرخ‌پوستی یاد شده موجوداتی «شخصی» اند که گاه چهره «الوهی» و گاه صورت انسانی «اساطیری» دارند. اما «کارکرد کیهانی» و جهان‌شناختی ویژه‌ای برای ایشان سراغ نداریم.

ادیان آفریقایی: اطلاع ما از موعودباوری ادیان آفریقایی محدود به «مسیح‌گرایی»<sup>۴</sup> رواج یافته در همین یکی دو قرن اخیر است. نهضت‌های جدید با چهره‌هایی که

1. Kalki in: *A Dictionary of Hinduism*; Margaret and James Stutley.

2. Inkarri

3. *The Encyclopedia of Religion*, v.13, p.471.

4. messianism

«مسیح جدید» تلقی می‌شدند، شکل گرفتند. بیشتر این نهضت‌ها نوید عصر آزادی و بهره‌مندی از فرصت و مجال زندگی و خودبسندگی را می‌دهند.

چنان‌که از این داده‌ها برمی‌آید، موعود این جریان‌ها بیشتر «نجات‌بخش اجتماعی» و «قوم‌مدار» است، که بر محور شخصی «مسیح وار» شکل می‌گیرد، شخصی که خواهد آمد تا آینده‌بهتری را برای مردمش به ارمغان آورد.<sup>۱</sup>

### منجی موعود در مذاهب اسلامی

گسترده‌گی و وفور روایات اسلامی درباره انتظار آمدن مهدی، بازتاب ناهمسانی در مذاهب و فرق مختلفه داشته است. اما چون که وجود این منابع اقتضا می‌کرده و هنوز می‌کند، انکار یکسره این آموزه برای هیچ فرقه‌ای آسان نبوده و نیست. مذاهب و فرق اسلامی بر سر این موضوع طیف رنگارنگی را پدید می‌آورند.

از یک نظر می‌توان موعود اسلام غیر شیعی و حتی اسلام شیعی غیر دوازده‌امامی را به یک چشم نگریست، اما بدون شک موعود شیعی دوازده‌امامی ویژگی‌هایی دارد که احتمال دارد در این سنخ‌شناسی باز شناخته شود. موعود اسلامی (مهدی) به لحاظ ماهوی موعودی «شخصی» است، او فرد خاصی است که خواهد آمد و حکومت حق را احیا خواهد کرد، اما او را باید به عنوان یک «موعود شخصی بشری صرف» دانست، نه چون مسیح نزد مسیحیان که از «الوهیت» برخوردار است. هر چند در نگاه امامیه، وی از امامان معصوم است و ویژگی خاص خود را دارد و به همین رو، نمی‌توان وی را تنها هم‌سنگ مصلحان و رهبران عادی جوامع شمرد.

به لحاظ کارکرد، مهدی موعود را باید در زمره «منجیان جمعی» (در برابر «موعود نجات‌بخش فردی») شمرد، نه چون موعود بودایی مه‌ایانه، که در اندیشه نجات و به نیروانه رساندن یک به یک مردم است و هرگز حرکتی اجتماعی به پا نمی‌کند. اما «مهدی موعود» در نظرگاه شیعیان دوازده‌امامی، و شاید برخی جریان‌ات صوفیانه سنی، هدایت‌گر باطنی سالکان نیز هست، و جدا از آن قیام اجتماعی، به کمال رساندن

1. *The Encyclopedia of Religion*, v.1.

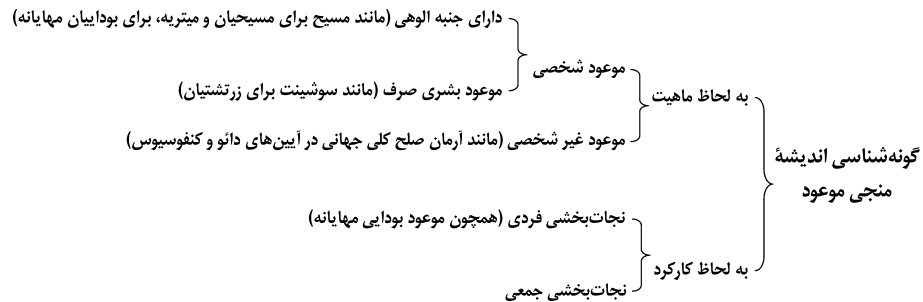
سالکان و واصل کردن ایشان به مقام قرب حق تعالی را نیز بر عهده دارد، از این حیث با فرد فرد مردم سروکار پیدا می‌کند.

«مهدی موعود» در دیدگاه اهل سنت و بیشتر فرقه‌های شیعی کارکردی بیشتر اجتماعی دارد، اما در نظرگاه دوازده‌امامیان، او نه یک «نجات‌بخش صرفاً اجتماعی» و نه «صرفاً معنوی» است، بلکه او با ظهور و قیام خویش علاوه بر آنکه عدل و امن و رفاه را به ارمغان می‌آورد، حق را نیز آشکار خواهد ساخت و عقل‌های مردمان را نیز به کمال خواهد رساند؛ در واقع او شرایط دینداری و زیست موحدانه را فراهم خواهد کرد. بنابراین، او یک «نجات‌بخش معنوی - اجتماعی» است. تأکید بر این نگرش به «مهدی» را شاید بتوان از ویژگی‌های دوازده‌امامیان دانست.

به لحاظ دایره شمول نجات‌گری مهدی موعود، به صراحت می‌توان اذعان کرد که او موعودی «قوم‌مدار» نیست و به نجات همه جهانیان می‌اندیشد. به لحاظ آرمان، اگر «مهدی» را در پی احیا و تجدید و بازخوانی سنت پیامبر ﷺ و برپایی جامعه مؤمنان صدر اسلام بدانیم، که شاید در نگاه عام اهل سنت و بسیاری از فرقه‌های شیعه چنین باشد، او موعودی «رو به گذشته» است، اما، اگر از نگاه روایات شیعیان دوازده‌امامی بخوانیم، گرچه او اسلام را تبیین می‌کند، اما قرائتی از آن به دست خواهد داد که همچون آغاز دعوت نبوی امری غریب جلوه خواهد کرد، پس باید او را موعودی «رو به آینده» انگاشت و در میان موعودهای رو به آینده، در زمره «موعودهای پایانی» قرار خواهد گرفت؛ هر چند در این باب هنوز مجال تأمل و نظر هست.

چنان که خواندیم، به قاطعیت نمی‌توان برای «مهدی» «کارکردی کیهان‌شناختی» قائل شد؛ زیرا پیوند قیام او با پایان پذیرفتن عالم در پس اختلاف روایات به هاله ابهام فرورفته است، اما چنین می‌نماید که به هر حال به گونه‌ای می‌توان این اعتقاد که جهان به قیام او (هر چند با تأخیری جزئی) پایان می‌پذیرد را به مقتضای دلایل موجود نزدیک‌تر دانست. علاوه بر این، اگر ارتباط «مهدی» را به عنوان «حجت خدا» و «صاحب الامر» با باطن و تدبیر عالم به یاد آوریم، به گونه‌ای دیگر «کارکرد کیهانی» او را می‌توان تصویر کرد.

در اینجا شایسته است در چند نمودار ساده گونه‌های باز شناخته در موعودباوری را ترسیم کنیم:



موعود نجات‌بخش جمعی را به ملاحظات مختلف می‌توان دسته‌بندی کرد:



### ارزیابی نظریه منجی موعود با معیار قرآن

چنان که گفتیم گزارش کوتاه و فشرده از نظریه‌های منجی موعود تنها برای آشکار شدن آفاق بحث و امکان عرضه آنها بر قرآن کریم و سنت قطعی است تا حق از باطل و سره از ناسره جدا گردد. قرآن، خود را قول فصل معرفی فرمود: «إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ؛<sup>۱</sup> همانا قرآن سخنی جداکننده [حق از باطل] است». در آیه دیگری فرمود: «لَا يَأْتِيهِ الْبَطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ؛<sup>۲</sup> به هیچ روی نه از روبه‌رو و نه از پشت سر، باطل در قرآن راه نخواهد یافت [و حقایق آن را دگرگون نخواهد ساخت] چراکه آن از جانب خداوند حکیم و ستوده نازل شده است».

این نوع تلقی از قرآن به عنوان قول فصل و معیار قطعی شناخت حق از باطل در روایات متواتر که به آنها «روایات عرض» می‌گویند از نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام نقل شده است.<sup>۳</sup> از جمله این روایت از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام که می‌فرماید: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ عَلَى كُلِّ حَقٍّ حَقِيْقَةً وَ عَلَى كُلِّ صَوَابٍ نُورًا، فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ؛ رسول خدا - که درود بر او و آتش باد - فرمود: همانا برای هر امر حقی، حقیقتی است و برای هر امر [از اندیشه و کردار] درستی، نوری است پس آنچه که موافق کتاب خداست [حق و درست و حقیقت و نور آن، کتاب خداست] آن را بگیرید و آنچه که مخالف کتاب خداست [باطل و نادرست است] آن را واگذاشته، رها کنید.<sup>۴</sup>

سنت نیز «تفسیر معلمان وحی» است که در آیه: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...؛<sup>۵</sup> ما قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم آنچه را که بر آنان فرو فرستاده شده، تبیین کنی». درباره تبیین نبی اکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آیات: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ \* بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ...؛<sup>۶</sup> و پیش از تو انبیایی نفرستادیم جز مردانی که به آنان وحی کردیم، پس از اهل ذکر بپرسید اگر نمی‌دانید \* دلیل‌های

۱. طارق، ۱۳.

۲. فصلت، ۴۲.

۳. رک: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۹، ح ۲ و ۴؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۸-۹، ح ۲، ۴ و ۶؛ صدوق، الامالی، ص ۳۰۰، ح ۱۶؛ عیون الاخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰، ح ۴۵؛ طوسی، الامالی، ج ۲، ص ۲۲۷، ح ۴ و....

۴. نحل، ۴۴.

۵. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۹، ح ۱.

۶. نحل، ۴۳.



آشکار [معجزات] و کتاب‌ها را» و آیات شبیه به آنها، درباره مرجعیت معصومان علیهم‌السلام به عنوان «اهل الذکر» یاد کرده است.<sup>۱</sup>

نخست باید خطوط کلی نظریه موعودگرایی در ادیان و ملل را به قرآن عرضه کنیم و میزان صحت و سقم آنها را با کتاب خدا بسنجیم، سپس برای شناخت درست از جزئیات و مصداق‌ها در این باره، آن را با سنت قطعی محک زنیم. این راهکار وجه جمع بین دو دسته از آیات و روایات خواهد بود که قرآن و سنت، هر دو را معیار برای شناخت حق از باطل می‌شناسد.<sup>۲</sup>

اگر موعودگرایی را با محک قرآن ارزیابی کنیم به این نتایج می‌رسیم:  
یک: اصل نظریه موعود منجی، در تفکر بشری بنا به آیات متعدد قرآن قابل قبول است.

دو: این موعود از این امت است نه از دیگر امت‌ها چون در این آیه فرمود: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...»<sup>۳</sup> خداوند از اهل ایمان از شما [امت] و آنان که کارهای شایسته می‌کنند وعده داده است که به آنان خلافت در زمین بخشد».

سه: وی به عنوان یک «موعود شخصی بشری» است و از الوهیت برخوردار نیست، چون اصیل‌ترین آموزه و نخستین رکن ادیان توحیدی از جمله قرآن این است که برای حق تعالی به هیچ روی در هیچ بُعدی هم‌تا و شریک نمی‌شناسد؛ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ \* اللَّهُ الصَّمَدُ \* لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ \* وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ»<sup>۴</sup> و باز در این آیه که هر چه نظام آفرینش است را با سیمت «عبد بودن و بندگی» معرفی می‌کند: «إِنَّ كُلَّ مَن فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا ءَاتَىٰ الرَّحْمٰنِ عَبْدًا»<sup>۵</sup> هیچ کس در آسمان‌ها و زمین نیست جز آنکه روی به سوی خدا دارد و بنده‌ای در حضور اوست».

۱. درباره دلالت این آیات بر حجیت تفسیر و سیره اهل‌بیت، ر.ک: نجارزادگان، تفسیر تطبیقی، کتاب اول: ص ۱۵۸-۱۶۱.

۲. برای وجه جمع بین آیات یاد شده و نیز روایاتی که فقط قرآن را تنها معیار می‌داند با روایاتی که قرآن و سنت هر دو را میزان معرفت حق از باطل معرفی می‌کند (ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۹، ح ۳؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۸، ح ۴ و...) .

۳. نور، ۵۵.

۴. مریم، ۹۳.

۵. اخلاص، ۳-۱.

**چهار:** موعود قرآن، منجی همه بشریت در سرتاسر گیتی است؛  
**پنج:** رسالت اصلی این موعود تحقق اراده حق تعالی در سیطره بخشیدن به دین حق بر دیگر ادیان است.

**شش:** حرکت این موعود همانند حرکت دیگر انبیا، احیای فرهنگ توحیدمدار و پیراستن تمام ابعاد شرک از جوامع بشری است. در واقع او شرایط دینداری را بر مدار خداگرایی و زیست موحدانه، برای همگان، فراهم می‌کند.

**هفت:** تمام دست‌آوردهای عصر ظهور این موعود مانند: عدالت‌گستری، امنیت اجتماعی، رشد عقلی و...، در پرتو دین‌ورزی و توحیدگرایی خواهد بود که رسالت اصلی اوست.

**هشت:** برخلاف دیگر نظریه‌ها، ظهور موعود قرآنی و اجرای برنامه‌های او وفای وعده خداوند است و با دخالت مستقیم حق تعالی صورت می‌بندد که از آن دست که در برخی از منابع آسمانی پیشین یاد شده است.

**نه:** موعود قرآنی از امدادهای غیبی حق تعالی برای رسیدن به اهداف خود بهره‌مند است؛ چون او می‌خواهد اراده حق تعالی را تحقق بخشد.

**ده:** هر چند موعود قرآنی برای همگان امنیت و عدالت به ارمغان می‌آورد، اما رضایت و خشنودی برای همه به بار نمی‌آید؛ چون بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت، وی حکومت دینی برپا خواهد کرد که نفس برخی از انسان‌ها آن را بر نمی‌تابند. بنابراین، آرمان‌شهری موعود قرآن، مساوی با رضایتمندی همه شهروندان آن نیست.

بر اساس آموزه‌های شیعی که از معصومان علیهم‌السلام به عنوان مفسران خطاناپذیر از وحی گرفته و تا حدودی نیز امکان اثبات آنها بر اساس نقاط مشترک فریقین در موضوع مهدویت، وجود دارد، منجی موعود این امت:

الف) انسانی شخصی و نه نوعی، دارای فضایل و مناقبی است که بسی برتر از سطح «عالم عادل دین‌شناس» و صرفاً «نجات‌بخش اجتماعی» است. ب) این منجی از سلسله‌برگزیدگانی است که خداوند انبیا و اوصیا را از آنان قرار داد.

ج) این موعود با قرآن (به عنوان اهل بیت) پیوندی ویژه دارد که پیامدهای والای «میزان هدایت»، «قرآن ناطق»، «وارث معارف وحی» و... را رقم می‌زند.

د) این موعود حقوقی دارد که از جمله آنها لزوم معرفت، مودت، ولایت و... اوست. ه) خداوند برای این موعود، مقاماتی همچون «نصب»، «عصمت»، «امامت»، «خلیفه الله» به معنایی که برای انبیاست، قرار داده به همین رو، او برتر از همگان در قلمرو حیات خویش است.

در واقع ارزش انتظار ظهور این موعود به دلیل همین شخصیت والا و رسالت احیاگری دینی اوست.

از مجموع این آموزه‌ها، که با معیار قرآن و سنت به دست آمد، هیچ جای تردید برای حکم به کذب افرادی که در این امت تاکنون ادعای مهدی موعود داشته‌اند و احیاناً نهضت‌هایی را هم برپا کرده‌اند، باقی نمی‌ماند.

### گفتار دوم: سیری کوتاه در پیشینه پژوهش

موضوع مهدویت - به طور عام - به دلیل عرصه‌های متنوع و گسترده‌اش کاوش‌ها و پژوهش‌های فراوان و گوناگونی را به خود اختصاص داده است. برای درک گستره این موضوع کافی است در مباحث «بین‌ادیانی» در محور «منجی موعود» درنگ کنیم که خود حیطه‌های متعدد با تنوع دیدگاه‌ها در آن رقم خورده است. گزارش کوتاه از این قلمروها را در بحث پیشین ملاحظه کردید. در این زمینه می‌توان از کتاب‌های منجی در ادیان، نوشته روح‌الله شاکری، کتاب ارزشمند گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان نگاشته جمعی از نویسندگان با ویراستار علمی دکتر علی موحدیان عطار<sup>۱</sup> و پایان‌نامه علمی «آینده جهان از نظر هندوییزم و مقایسه آن با دین اسلام»، اثر سید مرادرضا رضوی<sup>۲</sup> نام برد.

۱. این کتاب توسط انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسیده است.

۲. این پایان‌نامه در زمستان ۱۳۸۷، در مرکز مدیریت حوزه علمیه قم دفاع شده است.

مباحث «بین‌المذاهب» در خصوص مذاهب اسلامی با محوریت «مهدی‌شناسی و مهدی‌باوری»، حجم عظیمی از کتاب‌ها، رساله‌ها و مقالات را در خود جای داده است. به نظر می‌رسد موضوع مهدویت پژوهی در قلمرو مذاهب اسلامی را بتوان در سه گروه کلی، به جز در عرصه ادبیات که در آن پیشگامان عرصه سخن و سخنوری در قالب نثر و نظم در مورد موعود آخرالزمان سخن گفته‌اند،<sup>۱</sup> دسته‌بندی کرد:

۱. منابع حدیثی،

۲. منابع کلامی،

۳. منابع تفسیری.

در اینجا به ذکر فهرستی کوتاه از این سه گروه اکتفا خواهیم کرد، تا اندکی از آفاق بحث نمایان گردد.

### منابع حدیثی

حجم انبوه و بیشترین نگاشته‌ها و پژوهش‌ها درباره موضوع مهدویت در این حوزه قرار دارد. به تعبیر دکتر اکبرنژاد: «باید اعتراف کرد که اگر احادیث مختلف و گسترده‌ای که در این باره آمده نمی‌بود، اکنون آگاهی صحیح و کاملی از مهدویت وجود نداشت و این مجموعه گرانبهای حدیث است که چنین هدفی را تأمین می‌کند».<sup>۲</sup> منابع حدیثی را می‌توان به دو بخش عام و خاص تقسیم کرد. در بخش عام تقریباً تمام کتاب‌های حدیثی شیعه و کتاب‌های عمده حدیثی اهل تسنن را می‌توان برشمرد؛ چون هر کدام به گونه‌ای حدیث‌های مرتبط با موضوع مهدویت را گزینش و نقل کرده‌اند. در بخش منابع خاص، کتاب‌های حدیثی است که به طور ویژه درباره این موضوع نگاشته شده‌اند.

منابع حدیثی عمومی شیعه: این منابع تا قرن هفتم چنین‌اند: کتاب سلیم بن قیس هلالی کوفی (م ۸۰ق)، محاسن برقی احمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ق)، بصائر الدرجات

۱. در این باره ر.ک: احمدی، آرمان شهر دینی در بهنه شعر فارسی.

۲. اکبرنژاد، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، ص ۳۲.

محمد بن الحسن فروخ الصفار القمی (م ۲۹۰ق)، الکافی ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ق)، اثبات الوصیة علی بن الحسین المسعودی (م ۳۴۶ق)، معرفة الرجال کثی (م حدود ۳۵۰ق) این کتاب باگزینش شیخ الطائفه طوسی در دسترس ماست، کفایة الأثر ابوالقاسم علی بن محمد الخزاز القمی (از دانشمندان اواسط قرن چهارم)، عیون اخبار الرضا، علل الشرائع، الامالی، الخصال از محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه صدوق (م ۳۸۱ق)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد شیخ مفید (م ۴۱۳ق)، دلائل الامامة ابو جعفر محمد بن جریر الطبری الشیعی (م قرن پنجم)، روضة الواعظین فتال نیشابوری (م ۵۰۸ق)، الخرائج والجرائح قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ق)، اعلام الوری بأعلام الهدی فضل بن حسن طبرسی (م قرن ششم)، کشف الغمة فی معرفة الامامة علی بن عیسی الاربلی (م ۶۹۳ق) این منابع و امثال آنها فارغ از درجه اتقان شان، دست مایه های کاوش و پژوهش را در موضوع مهدویت فراهم آورده اند.

**منابع حدیثی اختصاصی شیعه:** کتابها و رساله های حدیثی شیعه که به طور خاص در حوزه مهدویت نگاشته شده بسیار فراوان است؛ انبوهی از این منابع تنها نامشان در کتاب های فهرست به چشم می خورد. حجم و تنوع این نگاشته ها (افزون بر موضوع پردامنه و حساس امامت) به دلیل مسائل ویژه و تأمل برانگیز در موضوع مهدویت است.

با آغاز غیبت امام مهدی علیه السلام به ویژه غیبت کبرا که زمینه های آن پیش از وقوع در سیره قولی و فعلی معصومان (با تأسیس نهاد وکالت از زمان عسکریین علیهم السلام)<sup>۱</sup> فراهم شده بود، موجی از پرسش ها و تردید را در اذهان به وجود آورد. در این شرایط، دانشمندان ولایت مدار شیعی برای پاسخ به تردیدها و ابطال شبهات و حراست از مرزهای اعتقادی، به فعالیت گوناگون فکری مانند تألیف رساله دست زدند. به همین رو، نوعاً در عناوین رساله های متنوعی که در این باره از قرن سوم تا پنجم نگاشته شده، واژه «غیبت» به کار رفته است هر چند مضامین این کتابها - با توجه

۱. برای توضیح بیشتر ر.ک: جباری، نهاد وکالت.

به محتوای کتاب‌ها و رساله‌هایی که هم‌اکنون در دست ماست - تنها در خصوص مسئله غیبت امام مهدی علیه السلام نیست، ولی در آنها بر این موضوع تأکید بیشتری شده است. محقق ارجمند کتاب الفصول العشرة فی الغیبة (اثر شیخ مفید) در مقدمه این کتاب، ۴۱ عنوان کتاب و رساله در این باره را تا پایان قرن پنجم<sup>۱</sup> از کتاب‌های فهرست‌نگاری و رجال‌شناسی (مانند رجال النجاشی، فهرست شیخ طوسی، معالم العلماء ابن شهر آشوب و الذریعة شیخ آقابزرگ تهرانی) فراهم آورده است. ایشان تأکید دارد که این فهرست ناتمام است و از تألیف‌های دیگر (کتاب‌های عمومی و شعرا و...) در این زمینه چشم پوشیده است.<sup>۲</sup> در این عرصه باید به چند نکته قابل توجه، اشاره کرد:

الف) در فهرست مؤلفان این کتاب‌ها نام افرادی به چشم می‌خورد که پیش از تولد یا تقریباً همزمان با ولادت امام مهدی علیه السلام درباره مسئله غیبت قلم زده‌اند. کسانی مانند: ابوالفضل عباس بن هشام الناشری الأسدی، از اصحاب امام رضا علیه السلام (م ۲۲۰ ق) که کتاب الغیبة را نگاشته و فضل بن شاذان (م ۲۶۰) که کتاب‌های وی با نام اثبات الرجعه و القائم علیه السلام است.<sup>۳</sup>

ب) نکته قابل توجه دیگر حضور اساطین امامیه در این قلمرو است. کسانی مانند ابومحمد الحسن بن حمزة معروف به طبری که از اجلای امامیه به شمار می‌رود و کتاب الغیبة را نوشته است؛ ابوالعباس عبدالله بن جعفر حمیری قمی، شیخ قمیین، مؤلف کتاب الغیبة والحیرة؛ ابوالقاسم علی بن الحسین بابویه قمی پدر شیخ صدوق، که کتاب الامامة والتبصرة و ابوعلی محمد بن احمد بن الجنید که کتاب ازالة الزان عن قلوب الاخوان فی الغیبة را نگاشته است؛ ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین شیخ صدوق، کتاب کمال الدین و تمام النعمة و سه رساله به ترتیب الرسالة الأولى والثانية والثالثة فی الغیبة را نگاشته است، محمد بن ابراهیم النعمانی و ابوالنضر محمد بن مسعود بن محمد بن عیاشی، صاحب کتاب التفسیر

۱. فارس الحسون، مقدمة الفصول العشرة فی الغیبة (در مجموعه مصنفات الشيخ المفید)، ج ۳، ص ۱۱-۱۷.

۲. همو، ص ۱۳ و ۱۵.

۳. همو، ص ۱۸.